

## تحلیل ساختاری و سبکی نامه دهم نهج البلاغه بر اساس نظریه کنش‌گفتار جان سرل

علیرضا احمدی‌زاده<sup>۱</sup>، علی‌اکبر امینی<sup>\*۲</sup>، اسماعیل منصوری لاریجانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشیار حقوق، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

## Discourse Analysis of the 10th Letter of Nahj Al-Balagheh Based on John Searle's Speech Act Theory

Alireza Ahmadizadeh<sup>1</sup>, Ali Akbar Amini<sup>\*2</sup>, Ismail Mansouri Larijani<sup>3</sup>

1. Ph.D. Candidate in Political Science, Research Sciences Branch, Islamic Azad University of Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Associate Professor of Law, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Received: 2021/07/03

Accepted: 2021/09/15

10.30473/il.2022.57050.1468

### Abstract

With the aim of understanding the hidden layers and knowing the desired effects of this letter, the present article has adopted a discourse analysis approach to analyze the letters based on Searle's (2015) category of speech act and its structural features. For this purpose, first, the text of the letter was divided into utterances, and then their respective speech acts were identified. The findings showed that out of a total of 22 actions, representative acts with 8, directive acts with 7 and expressive acts with 6 occurrences were the most frequently used speech acts in this letter. Moreover, the declarative act had only one occurrence, and the communicative speech act was absent in the corpus. The frequency of directive and representative speech acts in this letter indicates that Imam (A.S., peace be upon Him) has tried to prevent Muawiya from war through 'warning', 'ordering', and 'advising'. In this letter, each action was expressed with a specific style and structure, and the type of words and the structure of the sentences were used in harmony with the action.

**Keywords:** Nahj al-Balagha, 10th Letter, Speech Act, Discourse Analysis, Cognitive Text, Searle.

### چکیده

نوشتار حاضر با هدف درک معانی ضمنی و تعیین و دسته‌بندی انواع کنش‌های گفتاری به کار رفته در نامه دهم نهج البلاغه، در کنار ویژگی‌های سبکی، ویژگی‌های ساختاری آن را بر اساس نظریه تحلیل گفتمان سرل (۱۹۶۹) مورد تحلیل قرار داده است. به این منظور ابتدا متن نامه بر اساس نسخه صبحی صالح (۲۰۰۴) به پاره‌گفتارهایی تقسیم شد و سپس نوع کنش هر پاره‌گفتار مشخص گشت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۲۲ کنش گفتاری، کنش اظهاری با تعداد ۸ مورد و کنش ترغیبی با تعداد ۷ مورد و کنش عاطفی با تعداد ۶ مورد به ترتیب بیشترین کنش‌های به کار رفته در این نامه می‌باشند. در این نامه ۱ مورد کنش اعلامی به کار رفته است و کنش تعهدی به کار نرفته است. فراوانی دو کنش اظهاری و ترغیبی در این نامه نشانگر این است که امام علی (ع) سعی داشت از طریق «هشدار دادن»، «دستور دادن»، و «نصیحت کردن» معاویه را از جنگ باز دارد. در این نامه هر کنش با سبک و ساختار مشخص بیان شده است و نوع کلمات و ساختار جملات هماهنگ با کنش به کار رفته است.

**کلیدواژه‌ها:** نهج البلاغه، نامه دهم، کنش گفتار، تحلیل گفتمان، ویژگی‌های سبکی، جان سرل.

## مقدمه

هرگونه اثر و نوشته‌ای برای هدفی خاص نوشته می‌شود که در ارتباط با موقعیت و بافت اجتماعی زمانه زاده شده و با فرهنگ و ادب آن زبان نیز رابطه دارد. نهج‌البلاغه مجموعه‌ای از خطبه‌ها و نامه‌ها و سخنان قصار امام علی(ع) است که به وسیله سیدرضی گردآوری شده است و یکی از مهمترین کتب ادب عربی و سمبل فصاحت و بلاغت شمرده می‌شود. نهج‌البلاغه سرشار از مضامین دینی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی، علمی و ادبی است. به دلیل ماهیت سیاسی نامه دهم و نوع تعابیر امام علی(ع)، نگارندگان تلاش دارند تا از طریق تحلیل زبان‌شناختی متن این نامه براساس نسخه صبحی صالح<sup>۱</sup> (۲۰۰۴: ۳۷۱-۳۶۹)، و با تکیه بردسته‌بندی پنج‌گانه سرل<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) از کنش گفتار<sup>۳</sup>، ارتباط و هماهنگی کنش گفتاری هر بخش از نامه با پیامی که امام علی(ع) به دنبال انتقال آن بوده است را مورد بررسی قرار دهد و معنای ضمنی آن را تحلیل و بررسی کند. «در تحلیل گفتمان معمولاً سعی می‌شود به تحلیل معنای ضمنی پرداخته شود. این ناگفته‌ها از راه‌های مختلفی مانند بررسی واژگان یک متن و معانی آن‌ها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، پیش‌انگاره‌های موجود در متون، ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی مختلف می‌توانند آشکار شوند» (سیدی و حامدی، ۱۳۹۱: ۴). بر این اساس نوشتار حاضر پاسخ به سؤالات زیر را دنبال می‌کند: «چه نوع کنش‌های گفتاری و به چه میزان در کلام امام علی(ع) به کار رفته است؟»، «چه ارتباطی بین محتوا و کنش‌های گفتاری نامه وجود دارد؟»، و «ویژگی‌های سبکی این نامه چگونه است؟». برای پاسخ به سؤالات فوق ابتدا پیشینه پژوهش و سپس دسته‌بندی پنج‌گانه سرل (۱۹۶۹) از کنش‌های گفتاری طرح می‌شود. سپس به شرایط و فضایی که زمینه‌ساز شد امام علی(ع) به نوشتن این نامه بپردازد و هدف ایشان از نوشتن آن پرداخته خواهد شد. آنگاه متن نامه و ویژگی‌های سبکی آن به روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات و کتب فراوانی با موضوع تحلیل کنش

گفتاری نگاشته شده، ولی استفاده از این سبک در حوزه متون دینی و بالخصوص نهج‌البلاغه سابقه طولانی ندارد. «بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان دو ترجمه معاصر از قرآن» اثر بستانی و دستوری (۱۳۸۶)، مقاله «تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (س)» از روشنفکر و محمدی (۱۳۸۸)؛ «گفتمان قرآن» اثر العموش (۱۳۸۸)؛ مقاله خرمی و بابایی (۱۳۹۰) تحت عنوان «شیوه‌های حسابرسی در قیامت از منظر قرآن»؛ «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن» توسط سیدی و حامدی (۱۳۹۱)؛ «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن (مبتنی بر الگوی تنشی) تألیف شریفی و نجم‌الدین (۱۳۹۳)، «تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه‌ی فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم» نگاشته حسینی معصوم و رادمرد (۱۳۹۴)؛ و مقاله «تحلیل خطبه ۵۱ نهج‌البلاغه» نگاشته فضائی و نگارش (۱۳۹۰) همگی با رویکردهایی زبان‌شناختی به واکاوی گفتمان متون دینی پرداخته‌اند؛ از سویی بنیاد نظری نوشتار حاضر رویکردی مشابه با آثار فوق دارد به‌ویژه با مقاله «تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش گفتار جان سرل» (دسترنج و ذوالفقاری، ۱۳۹۹)؛ از سوی دیگر، حوزه مورد بررسی آن، یعنی نامه دهم نهج‌البلاغه، تا آنجا که نگارندگان بررسی کرده‌اند، پیشتر تنها بر مبنای الگوی گفتمان انتقادی فرکلاف (ذکایی، صیادی‌نژاد، و اقبالی، ۱۳۹۹) تحلیل شده‌است. نوشتار حاضر نیز همین‌گونه با استفاده از مبانی زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان به بررسی عبارات بخشی از نهج‌البلاغه و دسته‌بندی هر عبارت به انواع کنش‌های گفتاری به‌علاوه بررسی ویژگی‌های سبکی آن پرداخته‌است.

## آشنایی با محتوا و شأن صدور نامه دهم نهج‌البلاغه

«نامه دهم امامعلی(ع) به معاویه در سرزمین صفین سال ۳۶ هجری پیش از آغاز نبرد نوشته شده است؛ این نامه را نصر بن مزاحم که قبل از سید رضی می‌زیسته، در کتاب صفین آورده و بعد از سید رضی، ابن عساکر در تاریخ دمشق در شرح حال معاویه آن را نقل کرده است. البته آنچه را سید رضی آورده تمام نامه نیست و نامه آغازی دارد که در مصادر نهج‌البلاغه آمده است» (حسینی، ۱۴۰۹: ۲۲۰). در واقع محتوای نامه شفاف‌سازی و روشنگری از فرافکنی‌های معاویه است. بخشی از این نامه به افشاگری در مورد ویژگی‌های

۱. «نهج‌البلاغه» به تصحیح صبحی صالح، یکی از نسخ معتبر نهج‌البلاغه است.

2. J. R. Searle  
3. speech act

رفتاری و اعتقادی معاویه و بخش دیگر به تهدید حمله نظامی و اتهامات او پاسخ می‌دهد. امام علی (ع) در نامه دهم ضمن ارشاد و تحذیر معاویه و بیان ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی معاویه، در فرازی از این نامه خود را میرا از اتهامات

وارد، مبنی بر کشتن عثمان می‌داند و به او نسبت به عاقبت برپایی جنگ هشدار می‌دهد. محتوای نامه و ترجمه آن در جدول (۱) آمده‌است.

جدول ۱. پاره‌گفتارهای نامه دهم نهج البلاغه براساس نسخه صبحی صالح (۲۰۰۴: ۳۷۱-۳۶۹) و ترجمه آن

ردیف	پاره گفتار
۱	وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفَتْ عَنْكَ جَلَابِيبُ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَبَهَّجْتَ بِزِينَتِهَا، وَخَدَعْتَ بِلَذَّتِهَا. دَعْتِكَ فَأَجَبْتَهَا، وَقَادَتِكَ فَاتَّبَعْتَهَا، وَأَمَرْتِكَ فَأَطَعْتَهَا چه خواهی کرد، آنگاه که جامه‌های رنگین تو کنار رود، جامه‌هایی که به زیبایی‌های دنیا زینت شده است. دنیا تو را با خوشی‌های خود فریب داده، تو را به سوی خود خواند، و تو به دعوت آن پاسخ دادی، فرمانت داد و اطاعت کردی.
۲	وَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَقْفِكَ وَاقِفٌ عَلَيَّ مَا لَا يُنْجِيكَ مِنْهُ مَجْنُ همانا به زودی تو را وارد میدان خطرناکی می‌کند که هیچ سپر نگهدارنده‌ای نجات نمی‌دهد.
۳	فَاقْعَسْ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ، وَخُذْ أَهْبَةَ الْحِسَابِ، وَ سَمِّرْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ ای معاویه از این کار دست بکش، و آماده حساب باش، و آماده حوادثی باش که به سراغ تو می‌آید.
۴	وَلَا تَمَكِّنِ الْعَوَاةَ مِنْ سَمْعِكَ، وَإِلَّا تَفْعَلْ أَعْلَمُكَ مَا أُغْفَلَتْ مِنْ نَفْسِكَ، به گمراهان فرومایه گوش مسپار، اگر چنین نکنی به تو اعلام می‌دارم که در غفلت‌زدگی قرار گرفته‌ای.
۵	فَأِنَّكَ مُتْرَفٌ قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ مِنْكَ مَا أَخَذَهُ، وَبَلَغَ فِيكَ أَمَلَهُ، وَجَرَى مِنْكَ مَجْرَى الرُّوحِ وَالْذَّمِّ همانا تو نازپرورده‌ای هستی که شیطان بر تو حکومت می‌کند، و با تو به آرزوهایش می‌رسد، و چون روح و خون در سراسر وجودت جریان دارد.
۶	وَ مَتَى كُنْتُمْ يَا مَعَاوِيَةَ سَاسَةَ الرَّعِيَّةِ، وَوَلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ؟ بَغَيْرِ قَدَمِ سَابِقٍ، وَلَا شَرَفِ بَاسِقٍ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ لُزُومِ سَوَابِقِ الشَّقَاءِ. پناه به خدا می‌برم از گرفتار شدن به دشمنی‌های ریشه‌دار.
۷	وَأَحْذَرُكَ أَنْ تَكُونَ مَتَمَادِيًّا فِي غَرِّهِ الْأَمْنِيِّهِ، مُخْتَلِفِ الْعَلَانِيَةِ وَالسَّرِيَرِهِ تو را می‌ترسانم از اینکه به دنبال آرزوها تلاش کنی، و آشکار و نهانت یکسان نباشد.
۸	وَ قَدْ دَعَوْتُ إِلَى الْحَرْبِ، فَذَعَّ النَّاسَ جَانِبًا وَأَخْرَجْتُ إِلَيَّ، وَأَغْفِ الْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْقِتَالِ، لَتَعْلَمَ أَيُّنَا الْمَرِينُ عَلَى قَلْبِهِ وَالْمُعْطَى عَلَى بَصَرِهِ معاویه مرا به جنگ خوانده‌ای، اگر راست می‌گویی مردم را بگذار و به جنگ من بیا، و دو لشکر را از کشتار باز دار، تا بدانی پرده تاریک بر دل کدام یک از ما کشیده، و دیده چه کس پوشیده است.
۹	! فَأَنَا أَبُو حَسَنِ قَاتِلُ جَدِّكَ وَأَخِيكَ وَخَالَكَ شَدْخًا يَوْمَ بَدْرٍ، وَذَلِكَ السَّيْفُ مَعِي، وَبِذَلِكَ الْقَلْبِ أَلْقَى عَدُوِّي، مَا اسْتَبَدَلْتُ دِينًا وَلَا اسْتَحَدَّثْتُ نَبِيًّا. وَإِنِّي لَعَلَى الْمُنْهَاجِ الَّذِي تَرَكْتُمُوهُ طَائِعِينَ، وَدَخَلْتُمْ فِيهِ مُكْرَهِينَ نَوَزَ عَمْتُ أَنْكَ جِئْتُ نَائِرًا بِدَمِ عُثْمَانَ من ابوالحسن، کشنده جد و دایی و برادر تو در روز نبرد بدر می‌باشم که سر آنان را شکافتم، امروز همان شمشیر با من است، و با همان قلب با دشمنانم ملاقات می‌کنم. نه بدعتی در دین گذاشته، و نه پیامبر جدیدی برگزیده‌ام، من بر همان راه راست الهی قرار دارم که شما با اختیار ره‌ایس کرده، و با اکراه پذیرفته بودید. خیال کردی به خونخواهی عثمان آمده‌ای
۱۰	وَلَقَدْ عَلِمْتُ حَيْثُ وَقَعَ دَمُ عُثْمَانَ فَاطْلُبُهُ مِنْ هُنَاكَ إِنْ كُنْتُ طَالِبًا، فَكَأَنِّي قَدْ رَأَيْتُكَ تَصِيحُ مِنَ الْحَرْبِ إِذَا عَضَّتْكَ ضَجِيحُ الْجَمَالِ بِالْأَثْقَالِ، وَكَأَنِّي بِجَمَاعَتِكَ تَدْعُونِي جَزْعًا مِنَ الضَّرْبِ الْمُتَتَابِعِ، وَالْقَضَاءِ الْوَاقِعِ، وَمَصَارِعَ بَعْدَ مَصَارِعَ، إِلَيَّ كِتَابُ اللَّهِ، وَهِيَ كَافِرَةٌ جَاحِدَةٌ، أَوْ مَبَايِعُهُ خَائِدَةٌ در حالی که می‌دانم خون او به دست چه کسانی ریخته شده است. اگر راست می‌گویی از آنها مطالبه کن. همانا من تو را در جنگ می‌نگرم که چنان شتران زیر بار سنگین مانده، فریاد و ناله سر می‌دهی، و می‌بینم که لشکریان با بی‌صبری از ضربات پیاپی شمشیرها، و بلاهای سخت، و بر خاک افتادن مداوم تن‌ها، مرا به کتاب خدا می‌خوانند در حالی که لشکریان تو، کافر و بیعت‌کنندگان پیمان شکنند.

بیان آنها به تغییر اوضاع دنیای خارج بینجامد. افعالی که حاوی این کنش می‌باشند عبارت‌تند از: اعلام کردن، محکوم کردن و منصوب کردن. (بیول ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶؛ به نقل از دسترنج و ذوالفقاری ۱۳۹۹: ۷۵-۷۶).

با توجه به اینکه فهم کنش‌های منظوری در ارتباط مستقیم با دو کنش تلفظی و گزاره‌ای است، نوشتار حاضر در دسته‌بندی پاره‌گفتارها به تحلیل الفاظ و عبارات و ارتباط آنها با کنش مورد نظر نیز توجه دارد.

### تحلیل کنش گفتاری نامه دهم نهج‌البلاغه

#### کنش اظهاری

امام علی (ع) در ابتدای نامه به منظور جلب توجه ذهن مخاطب برای سرتا پا گوش شدن و آگاه ساختن او از آنچه در انتظار اوست این پرسش را مطرح می‌کند که «وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفَتْ...» (پاره‌گفتار ۱) «چه خواهی کرد آن گاه که لباس‌های (پر زرق و برق) این دنیا را که در آن فرورفته‌ای از تنت برگیرند، دنیایی که با زینت‌هایش خود را جلوه داده و با لذت‌هایش (تو را) فریب داده است». امام علی (ع) با بیان شدت دنیاطلبی معاویه، قصد تصویرسازی و حاضر کردن آنچه در آن غوطه‌ور است در مقابل چشمانش را دارد. در ادامه در پاره‌گفتار پنجم (فَأَنْتَ مَتْرَفٌ قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ...) امام به بیان ویژگی‌های شخصی معاویه می‌پردازد چراکه از ویژگی‌های ناپسند معاویه مترف بودن است.

نیز در پاره‌گفتار ششم (و مَتَى كُنْتُمْ يَا مُعَاوِيَةَ سَأَسَاءَ الرَّعِيَّةَ...) امام علی (ع) با بیان بی‌صلاحیتی معاویه حقیقت سابقه شقاوت‌مندان ابوسفیان را فاش می‌کند. (رک: دشتی، ۱۳۹۷: ۳۶۹) امام علی (ع) در ادامه در پاره‌گفتار هشتم (وَقَدْ دَعَوْتُ إِلَى الْحَرْبِ، فَدَعَى النَّاسَ جَانِبًا وَأَخْرَجُ إِلَيَّ، وَأَعْفَى الْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْقِتَالِ) عدم علاقه خود به ایجاد جنگ و خونریزی و کشته شدن افراد بی‌گناه را به طور تلویحی نشان می‌دهند، آن امام علی (ع) در این پاره‌گفتار برای تأکید بیشتر بر این‌که معاویه مقابل دیگران پرده‌جهالت و گمراهی کشیده است، به صورت صریح به دو عضو (قَلْبِهِ وَ بَصَرِهِ) که جزئی از بدن انسان هستند اشاره کرده‌اند تا این امر را برای همگان به اثبات برسانند. هم‌چنین آوردن دو واژه مترادف (الْحَرْبِ وَ الْقِتَالِ) که به معنای جنگ است در تکرار خواسته خود مبنی بر، برکناری مردم بی‌گناه از جنگ تأکید فرموده است.

سپس امام بهانه معاویه برای جنگ را زیر سؤال می‌برد

### دسته‌بندی پنج‌گانه سرل از کنش گفتار

به اعتقاد سرل سخن گفتن به یک زبان، وارد شدن در نوعی رفتار قاعده‌مند و بسیار پیچیده است؛ از نظر او هر چه را بتوان قصد کرد می‌توان بیان کرد و زبان نه تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند بلکه در اجرای آن‌ها نیز نقش دارد (۱۹۶۹: ۲۲). و این همان کنش گفتار است که طبق یک تعریف «صورت گفتاری یا نوشتاری و تحقق صوری جمله است» (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۴). واحد تحلیل پاره‌گفتار<sup>۱</sup> کنش است؛ از نظر سرل و وندروویکن (۱۹۸۵: ۲۵-۲۳) «گوینده با بیان جمله دست کم سه کنش جداگانه انجام می‌دهد: تلفظی<sup>۲</sup>، گزاره‌ای<sup>۳</sup> و منظوری<sup>۴</sup>. یعنی نوع الفاظ به کار گرفته شده و بیان سخن با این الفاظ و سپس انتقال منظور و مقصود خود با این الفاظ و گزاره‌ها». سرل سپس کنش‌های منظوری را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

کنش اظهاری<sup>۵</sup>: به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که نشان‌دهنده باور گوینده از درستی امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری‌ای که گوینده از طریق آنها دنیا را آن‌گونه که هست یا باور دارد، نشان می‌دهد.

کنش ترغیبی<sup>۶</sup>: به آن دسته از کنش‌ها گفته می‌شود که گوینده با به کارگیری آنها، دیگری را به انجام کاری وامی‌دارد و بنابراین بیانگر خواسته گوینده است. افعال کنش ترغیبی شامل افعالی چون خواستن، دستور دادن می‌شود.

کنش عاطفی<sup>۷</sup>: نوعی کنش گفتار است که گوینده احساس خود نسبت به جهان خارج را با آن بیان می‌کند. که شامل حالات روانی و نمود احساساتی از قبیل غم، شادی، تنفر، لذت یا درد است.

کنش تعهدی<sup>۸</sup>: آن دسته از کنش‌های گفتاری هستند که گوینده با آنها خود را ملزم به انجام کاری در آینده می‌کند و بنابراین بیانگر قصد گوینده هستند. افعالی چون قول دادن، سوگند خوردن و تعهد دادن دارای این نوع کنش گفتار هستند.

کنش اعلامی<sup>۹</sup>: آن دسته از کنش‌های گفتاری است که

1. utterance
2. utterance act
3. prepositional act
4. perpositional act
5. representative act
6. directive act
7. expressive act
8. commissure act
9. declarative act

و می گوید: «و زَعَمْتَ اِنَّكَ جِئْتَ ثَائِرًا بِعُثْمَانَ، وَ لَقَدْ عَلِمْتَ حَيْثُ وَقَعَ دَمُ عُثْمَانَ فَاطْلُبْهُ مِنْ هُنَاكَ اِنْ كُنْتَ طَالِبًا» «تو که به گمان خود به قصد خونخواهی عثمان آمده‌ای به درستی می دانی که خون او کجا ریخته شد پس از آنجا طلب کن اگر طالب خون وی هستی». امام علی (ع) با آوردن کلمه «زَعَمْتَ» این را می خواهد بگوید که خون خواهی عثمان فقط گمان و بهانه برای جنگ است، و تکرار دو کلمه (دَمُ و عُثْمَانَ) و همچنین ضمیر (ت) توسط امام علی (ع) بیانگر ادعای نابجای معاویه مبنی بر خون خواهی عثمان و تأکید نابجای او بر این ادعاست؛ امام علی (ع) در این قسمت بیان می کند که من جزء قاتلان عثمان نیستم، بنابراین اگر واقعاً قصد خون خواهی داری، مطالبه خون او متوجه کشندگان او است که خودت آن‌ها را می شناسی! اگر خواهان آن هستی «اِنْ كُنْتَ طَالِبًا»، از همان راه، باید پیگیری باشی، طالب بودن حقیقی او را نمی کنی زیرا بیان شک به وسیله «اِنْ» لازم‌اش عدم تسلیم و اعتقاد امام علی (ع) است به اینکه معاویه حقیقتاً خونخواه عثمان می باشد (حیدری، ۱۳۸۱: ۳۲۰). می توان در کل، تکرار این کلمات و ضمیر را علاوه بر نقشی که در انسجام پاره گفتار دارد، در مسئله رفع اتهام، بلکه تغییر جهت آن به سوی خود معاویه نیز مؤثر دانست.

در انتها به بیان عاقبت جنگی که معاویه قصد برپایی آن را دارد می پردازد (وَهِيَ كَافِرَةٌ جَاحِدَةٌ، اَوْ مُبَايِعَةٌ حَائِدَةٌ) امام علی (ع) می فرماید: «سپاهیان درگیر و دار ضربت‌های پیاپی می نالند و مرا به کتاب خدا می خوانند، حال آنکه مثنی کافر و منکرند.»

**کنش ترغیبی**

امام علی (ع) در پاره گفتار نخست «قَدْ تَهَيَّجَتْ... وَ اَمَرْتَكَ فَاطَعْتَهَا» خطاب به معاویه می فرماید: «که دنیا خود را با زینت کردن، خوش نما جلوه داده و با لذت‌هایش فریبت داده به طوری که تورا به سوی خود دعوت نمود پس تو پذیرفتی و تو را راهبری کرد و تو پیروی کردی و به تو فرمان داد و تو اطاعت نمودی». امام علی (ع) ضمن توییح و مذمت معاویه قصد هشدار دادن به او را دارد و معاویه را از ادامه این روند و عاقبت آن برحذر می کند که عاقبتی جز نابودی و هلاکت برای او در پی نخواهد داشت.

امام علی (ع) در ادامه معاویه را مورد تحذیر قرار می دهد و می فرماید «وُ اِنَّهُ يُوْشِكُ اَنْ يَقْفِكَ وَاَقِيفُ عَلٰى

ما لا يُنْجِيكَ مِنْهُ مُنْجٍ...». آوردن ادات تأکید «اِنْ» در این پاره گفتار به منظور هشدار دادن معاویه به قیامت و تأکید بر رسیدن ناگهانی مرگ است که فرصت را از دست آدمی می گیرد و اطمینان به اینکه هیچ بازدارنده‌ای نمی تواند از پیش آمدن آن جلوگیری نماید، و در ادامه او را با عبارت «فَاقْعَسُ عَنْ هَذَا الْاَمْرِ» از ادعای باطل خلافت بر حذر می دارد و از روی تحویف و تهدید به آمادگی برای حساب و کتاب آخرت (وَ خَذُ اُھْبَةَ الْحِسَابِ) و آمادگی برای آنچه از عذاب بر وی نازل می گردد (شَمْرٌ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ) امر می کند، و چون این حوادث قطعی الوقوع بوده به صورت فعل ماضی (نَزَلَ بِكَ) بیان شده است، وجود ادات «قَدْ» در آغاز فعل «نَزَلَ» که نشانگر تأکید است، با یک موقعیت جنگی متناسب است.

در ادامه امام علی (ع) با پاره گفتاری که دارای کنایه است (وَلَا تُمَكِّنُ الْغَوَاةَ مِنْ سَمْعِكَوَالَا تَفْعَلُ اَعْلَمَكَ) معاویه را از گوش سپردن به نظرات و پیشنهادهای که دستیاران اغواگرش ارائه می دهد، برحذر می دارد چرا که عاقبتش جز معصیت و نافرمانی خداوند نخواهد بود و هشدار می دهد که در پیش گرفتن چنین شیوه‌ای، افتادن در گردباد گمراهی و ضلالت بوده، و رهاوردی جز سقوط در عذاب پروردگار نخواهد داشت. قابل ذکر است که «وَ جَرَى مِنْكَ... وَالْاَلَمِ» ایماء و اشاره‌ای است به حدیث پیامبر (ص) «ان الشیطان لیجری من بنی آدم مجری الدم» (شیطان، همانند گردش خون در تن آدمی جریان دارد) (بخاری، ۱۹۸۱: ۲۱۵). امام علی (ع) که بر حقیقت شخصیت دنیوی معاویه آگاه بودند، می فرماید (فَدَعِ النَّاسَ جَانِبًا وَاخْرُجْ اِلَیَّ، وَ اَعْفِ الْفَرِیْقَیْنِ مِنَ الْقِتَالِ لِیُعْلَمَ اَیُّنَا الْمَرِیْنُ عَلٰی قَلْبِهِ وَ الْمَعْطٰی عَلٰی بَصَرِهِ) مردم و طرفین جنگ را از نبرد بر حذر بدار. هدف امام علی (ع) از این تهدید و تحذیر ثابت کردن شخصیت معاویه برای وی و دیگران بود و اینکه معلوم گردد حجاب‌های گناه و معصیت چشم و دل چه کسی را پوشانده است چرا که آن کس که به آخرت دل بسته و آن را جستجو می کند هرگز صحنه نبرد را ترک نمی کند گرچه کشته شود؟ (دشتی، ۱۳۸۲: ۴۹۱؛ بحرانی، ۲۰۰۷: ۶۶).

### کنش عاطفی

امام علی (ع) به اشکال مختلفی از کنش عاطفی در نامه استفاده کرده است. با توجه به اینکه در این نامه به موضوعات مختلف توجه شده، متناسب با هر موضوع از

کنشی استفاده شده است. بخشی از این نامه به افشاگری در مورد ویژگی‌های رفتاری و اعتقادی معاویه و بخش دیگر به تهدید حمله نظامی و اتهامات او پاسخ می‌دهد. امام علی (ع) در نامه<sup>۱۰</sup> ضمن ارشاد و تحذیر معاویه و بیان ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی معاویه، در فرازی از این نامه خود را میرا از اتهامات وارده، مبنی بر کشتن عثمان می‌داند و به او نسبت به عاقبت برپایی جنگ هشدار می‌دهد و در این فضا از کنش عاطفی بهره می‌برد.

امام علی (ع) در ابتدای نامه در پاره‌گفتارهای (وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفْتَ عُنْكَ جَلَابِيبُ). به بیان شدت دنیادوستی و دنیازدگی معاویه پرداخته است و به سرزنش و هجو او می‌پردازد که چگونه در دام لذت‌های دنیا گرفتار شده است، و در ادامه در پاره‌گفتار (فَإِنَّكَ مُتْرَفٌ قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ مِنْكَ مَاخَذَهُ). امام علی (ع)، معاویه را به داشتن صفت‌های ناپسندی مذمت می‌کند و با این مطلب کلام را در چارچوبی عاطفی و تأثیربرانگیز قرار می‌دهد، آن‌چنان که روحیه کلی معاویه، متأثر از شیطان بوده است. امام علی (ع) با گزینش الفاظی چون (الرُّوحُ وَالْذَّمُّ)، که به بهترین شکل، شور و هیجان درونی را برمی‌انگیزد، بیان می‌دارد که شیطان در وجود معاویه، همانند جان و خون او، در تمام رگ‌ها و شریان‌های وجودش جریان یافته است (حمیدزاده گیوی، ۱۳۹۵: ۸۰).

و در جای دیگر یعنی در پاره‌گفتار (و مَتَى كُنْتُمْ يَا مُعَاوِيَةَ سَاسَةَ الرَّعِيَّةِ، وَوَلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ؟ بَغْيِرِ قَدَمِ سَابِقِ، وَلَا شَرَفَ بَاسِقِ) امام علی (ع) در پی هجو معاویه و بیان عدم صلاحیت او، برای تصدی مسئولیت است که نه از دانش لازم برخوردار است و نه تجربه‌ای در این راه دارد و نه این که از سابقه افتخارآمیز و شرافت خانوادگی برخوردار است تا بتواند دیگر کاستی‌های خویش را پوشش دهد. کلمات (سَاسَةُ الرَّعِيَّةِ وَوَلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ: زمامداران امت و فرماندهان ملت) در این پاره‌گفتار مترادف آمده‌اند. امام علی (ع) با آوردن این دو کلمه و پس از آن دو عبارت (بَغْيِرِ قَدَمِ سَابِقِ) و (وَلَا شَرَفَ بَاسِقِ) قصد داشته به این مسئله اشاره کند که نه تنها شخص معاویه در عرصه سیاست و مدیریت سابقه‌ای ندارد، بلکه تیره و تبارش هم، مظاهر زشتی و خردستیزی بوده‌اند. در ضمن آوردن این پاره‌گفتار با سیاق استفهام انکاری به این استدلال کمک کرده، و سبب می‌شود درستی آن بیشتر گردد (بحرانی، ۲۰۰۷: ۷۹۱).

در پایان امام علی (ع) عاقبت معاویه را در جنگی که به

ناحق قصد راه‌اندازی آن را دارد در مقابل چشمانش به تصویر می‌کشند «فَكَأَنَّ قَدْ رَأَيْتُكَ تَضِجُ مِنَ الْحَرْبِ... حَائِذَةً» در این پاره‌گفتار ضمن هجو معاویه، نوعی تلخ‌بارکار رفته امام علی (ع) می‌فرماید: آن‌چنان که اشتراک بارکش، در زیر بارهای سنگین، ناله و فغان سر می‌دهند، آه و ناله تو نیز، به آسمان خواهد رفت. امام علی (ع) با این عبارت کوتاه و محکم عاقبت معاویه را در این جنگ با تشبیه به شتر بارکش به چالش می‌کشد و در ادامه حال لشکریان معاویه را به تصویر می‌کشد که پس از ضربات پی در پی و به هلاکت رسیدن آنها یکی پس از دیگری امام علی (ع) را به سوی کتاب خدا فرا می‌خواند در حالی که یا به آن کافرند و یا کسانی هستند که با امام علی (ع) بیعت نمودند اما منحرف گشته‌اند.

### کنش اعلامی

از پاره‌گفتار پایانی نامه (فَكَأَنَّ قَدْ رَأَيْتُكَ تَضِجُ) کنش اعلامی استنباط می‌شود، همانطور که در مبانی نظری از کنش اعلامی گفته شد در کنش اعلامی شرایط تازه‌ای اعلام می‌شود، لذا امام علی (ع) در این پاره‌گفتار صدق گفتار خود را با پیش‌بینی پایان جنگ و عاقبت معاویه و یارانش را به او اعلام می‌کند.

### کنش تعهدی

در نامه یاد شده امام علی (ع) از کنش تعهدی استفاده نکرده است؛ اینکه به چه دلیل از این کنش استفاده نشده شاید بتوان گفت، بافت گفتمان مورد نظر به منظور بیان تعهدی از سوی امام علی (ع) نبوده است از طرف دیگر نوع مطلبی که امام علی (ع) قصد بیان آن را داشته و به معاویه منتقل کند از طریق کنش تعهدی امکان‌پذیر نبوده است. چرا که این نوع کنش‌ها کنش‌های منظوری‌ای هستند که توان منظوری‌شان این است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد. محتوای گزاره‌ای این نوع کنش‌ها این است که گوینده کنشی را در آینده انجام می‌دهد و خود را متعهد می‌سازد که کلامش صادق است؛ افعالی چون قول دادن، سوگند خوردن و تعهد دادن دارای این نوع کنش گفتار هستند (سرل، ۱۹۷۶: ۱۴-۱۳).

۱. «در طنز تلخ نوعی تهکم و ریشخند نهفته است نه تلمیح و فکاهه، زیرا هدف از این نوع طنز اعتراض و آگاهی بخشی است» (واقف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

جدول ۲. کاربرد کنش‌ها در هر پاره گفتار

پاره گفتار	کنش گفتاری جمله‌ها			
	اعلامی	تعهدی	عاطفی	ترغیبی
۱			*	*
۲				*
۳				*
۴				*
۵			*	*
۶			*	*
۷				*
۸			*	*
۹			*	*
۱۰	*		*	*

معجنی، ۱۳۹۲: ۳۰۱). هر دو فعل ایستا و پویا در انواع کنش‌های ترغیبی، اظهاری، عاطفی و اعلامی به کار رفته و به نظر می‌رسد میزان کاربرد هر فعل با توجه به نوع کنش متفاوت است و به عنوان نمونه در کنش ترغیبی بیشتر افعال پویا استفاده می‌شود.

در نامه دهم نهج البلاغه از مجموع ۴۲ فعل مستفاد، ۸ فعل پویا و ۳۴ فعل ایستا تشکیل شده است و در ادامه ذکر می‌شود که برای بررسی تأثیرگذاری هر دسته باید به کاربرد آن‌ها در سطح جمله توجه کرد. در پاره گفتار «وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفْتَ عَنْكَ جَلَابِيبُ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَبَهَّجْتَ بِرَبِّتِهَا، وَخَدَعْتَ بِلَدَّتِهَا. دَعَتِكَ فَأَجَبْتِهَا، وَقَادَتْكَفَاتِبَعْتِهَا، وَأَمَرْتِكَ فَأَطَعْتِهَا» ۹ فعل به کار رفته که فعل تَكَشَّفْتَ صدای پویا دارد و سایر افعال مشخص شده در پاره گفتار صدای ایستا دارند و مرجع آن‌ها مستقیماً خود مخاطب است، خطیب مخاطب را هشدار می‌دهد. فعل پویا در حرکت بخشی به سوی تقویت یا تضعیف فعل است. در این پاره گفتار افعالی که صدای ایستا دارند نشانگر تداوم و ثبات ویژگی‌ها مخاطب است. افعال کنش اظهاری، ترغیبی و عاطفی که در این پاره گفتار به کار رفته، شامل صدای پویا و ایستا می‌شوند. مخاطب بیش از آن که به سوی تضعیف افعال ترغیب شود به سوی تثبیت و عامل شدن بدان تحریک می‌شود.

در پاره گفتار «وَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يُقْفِكَ وَاقِفٌ عَلَى مَا لَا يُجْحِيكَ مِنْهُ مِجَنٌّ» دو فعل مشخص شده چنان که ملاحظه می‌شود افعال ترغیبی در این پاره گفتار صدای ایستا دارند که با توجه به معنای پاره گفتار کاربرد این افعال ایجاد حس اطمینان به راه فراری نداشتن در مخاطب است. در پاره گفتار «فَأَقْسَسُ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ، وَخَذْتُ هَبَةَ الْحِسَابِ، وَشَمَّرْتُ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ» فعل «فَأَقْسَسُ» صدای پویا و ۳ فعل دیگر صدای ایستا دارند و با کنش ترغیبی پاره گفتار در ارتباط هستند. این پاره گفتار موقعیتی را در آینده به تصویر می‌کشد که هنوز رخ نداده ولی قریب الوقوع است و از آن گریزی نیست. با این پیش فرض امام علی (ع) مخاطب را به تضعیف موقعیت ترغیب می‌کند، نه تقویت آن.

در پاره گفتار «وَلَا تُمَكِّنِ الْغَوَاةَ مِنْ سَمْعِكَ، وَإِلَّا تَفْعَلُ أَعْلَمَكَ مَا أَغْفَلْتَ مِنْ نَفْسِكَ» افعال صدای پویا دارند و صدای پویا در این پاره گفتار با کنش ترغیبی ارتباط دارد، امام علی (ع) در صدد تحریک حس پشیمانی و سرزنش در ضمیر خفته معاویه است. حال اینکه هدف شماتت مخاطب و تحریک حس ندامت است.

کیفیت کاربرد کلمات و عبارات در کنش‌های پنج‌گانه

از نظر ویژگی‌های زبانشناختی، پاره گفتارهای نامه با کنش آن هماهنگی دارند، و این ارتباط را می‌توان در سطح واژه و جمله تحلیل کرد. در این قسمت با توجه به اینکه برخی معانی ضمنی کنش‌های گفتاری در واژگان و عبارات نمود پیدا می‌کند، به تحلیل زبان شناختی نامه بر پایه شناسایی پویایی و ایستایی افعال به کار رفته در پاره گفتارها و همچنین ساختار جمله‌ها از نظر طول و فاصله جملات و چرایی استفاده از آنها در هر کنش پرداخته می‌شود. ساختمان نحوی جملات، در نحوه تأثیر کلام بر مخاطب، نقش مهمی ایفا می‌کند. طول جملات و پیوند آن‌ها از جمله اموری هستند که می‌توان بخشی از پیوند میان نحو و معنای سخن را از دریچه آن‌ها بررسی نمود.

فعل

فعل‌ها در یک عبارت از ابعاد مختلف قابل بررسی هستند. در این بخش به تناسب بحث به تحلیل افعال از بعد پویایی و ایستایی و کاربرد هر کدام در کنش پرداخته شده است. «صدای ایستا آن است که یک عمل برای یک فاعل در یک محدوده‌ی زمانی معین انجام شده و خاتمه یافته است. اما صدای پویا تداوم رخ دادن یک فرایند را بیان می‌کند؛ فعل‌های لحظه‌ای صدایی ایستاتیک دارند و فعل‌های تداومی بیانگر صدای دینامیک و پویا هستند. مثلاً دو فعل دویدن و دوست داشتن که اولی پویا و دومی ایستا است» (فتوحی رود

در پاره‌گفتار «وَأَحْذَرُكَ أَنْ تَكُونَ مُتَمَادِيًا فِي غِرِّهِ الْأُمِّيَّةِ، مُخْتَلِفٍ الْعَلَانِيَةِ وَالسَّرِيرَةِ» «أَحْذَرُكَ» صدای پویا دارد و «تَكُونَ» حامل صدای ایستا که با کنش ترغیبی ارتباط دارند که مخاطب را در مسیر جبران آنچه گذشته است ترغیب می‌کند. افعال مشخص شده در پاره‌گفتار «وَوَزَعَمْتَ أَنْكَ جِئْتَ ثَائِرًا بِدَمِ عُثْمَانَ وَلَقَدْ عَلِمْتَ حَيْثُ وَقَعَ دَمُ عُثْمَانَ فَاطْلُبُهُ مِنْ هُنَاكَ إِنْ كُنْتَ طَالِبًا» محتوای کنش اظهاری و ترغیبی را بیان می‌کنند که صدای ایستا دارند. مرجع آن‌ها مستقیماً خود معاویه است. امام علی (ع) مخاطب را با اطمینان دادن ترغیب به جای دیگر می‌کند که خود مخاطب آگاه‌تر است به آن.

پاره‌گفتار «فَكَأَنِّي قَدْ رَأَيْتُكَ تَصِيحُ مِنَ الْحَرْبِ إِذَا عَضَّتْكَ ضَجِيحُ الْجَمَالِ بِالْإِتْقَالِ، وَكَأَنِّي بِجَمَاعَتِكَ تَدْعُونِي جَزَعًا مِنْ الضَّرْبِ الْمُتَّاعِ، وَالْقَضَاءِ الْوَاقِعِ، وَمَصَارِعَ بَعْدَ مَصَارِعَ، إِلَيَّ كِتَابَ اللَّهِ، وَهِيَ كَافِرَةٌ جَاحِدَةٌ، أَوْ مُبَايَعَةٌ حَائِدَةٌ» افعالی که خود بیانگر فعل کنشی ترغیبی، اظهاری، عاطفی و اعلامی هستند در این پاره‌گفتار حامل صدای ایستا هستند که حتماً اتفاق می‌افتد و دستخوش تغییر نمی‌شود. کاربرد فعل مضارع در معنای فعل ماضی کاملاً متفاوت است چرا که از آن اراده ماضی شده است. چرا که هنوز جنگ آغاز نشده. بلکه امام علی(ع) با استفاده از این افعال قصد تأکید بر حتمیت رخ دادن فعل را داشته است. به عبارت دیگر زمینه‌ای را برای زمان فعل ایجاد کرده که فعل نسبت به آن در گذشته رخ داده است که این زمینه، مخاطب و زمان و مکان مکاتبه را در بر گرفته است، و فضایی پس از وقوع فعل در گذشته به وجود آورده که خودش و مخاطب در آن قرار دارند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۰۷). بنابراین این افعال معنای گذشته دارند اما هنوز رخ نداده‌اند مگر در فضایی که خطیب در کلام خود ایجاد کرده است.

### طول جمله‌ها

طول جمله، مولود درنگ و تأمل گوینده در هر ساخت نحوی است. اگر بپذیریم هر ساخت نحوی واحدی از اندیشه‌های خالق اثر است، آنگاه می‌توان از رهگذر بررسی طول جملات سیاق متن و حالات روحی سخنور را تحلیل کرد. «بسامد جمله‌های کوتاه و منقطع در سخن، باعث شتاب سبک، سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی می‌شود و بر عکس فراوانی جمله‌های بلند، سبکی آرام را رقم می‌زند و کاربرد جمله‌های مرکب تو در توی پیچیده، کند نمودن حرکت سبک است.

سبک‌های منقطع و پرشتاب عاطفی‌تر و سبک‌های مرکب، برهانی و منطقی‌ترند» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۲: ۲۹۸).  
 نامه دهم از ۶۴ جمله تشکیل شده است که در بلندترین آن‌ها قصد تصویرسازی و حاضر کردن آنچه معاویه در آن غوطه‌ور است در مقابل چشمانش را دارد آن‌جا که امام علی(ع) می‌فرماید: «كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفْتَ عَنْكَ جَلَابِيبُ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَبَهَّجْتَ بِزِينَتِهَا، وَخَدَعْتَ بِلَذَّتِهَا. دَعَّتْكَ فَأَجَبْتَهَا، وَقَادَتْكَ فَاتَّبَعْتَهَا، وَأَمَرَتْكَ فَاطَّعْتَهَا» طولانی‌ترین جمله‌ای است که در نامه وجود دارد که خود از ۸ جمله کوچک‌تر تشکیل می‌شود که شامل ۲۶ کلمه می‌باشد مابقی جملات کوتاه‌تر هستند. در ضمن ۶۴ جمله نامه از ۲۴۱ کلمه متشکل از اسم، فعل و حرف تشکیل شده است که به طور تقریبی هر جمله حدوداً با ۴ کلمه بسته شده است.

### پیوند جمله‌ها

یکی از ویژگی‌هایی که پیوند جمله‌ها را می‌توان سنجید بحث سبک آنهاست، بر اساس رابطه دستوری میان جمله‌های متن، چهار نوع سبک نحوی قابل تمایزند: «سبک گسسته»، «سبک هم‌پایه»، «سبک وابسته»، «سبک متصل»، که سه نوع اول در نامه مورد پژوهش قابل ردیابی هستند.

**سبک گسسته:** این سبک مفید روایتگری و داستان سرایی است. شامل گروهی از اندیشه‌های مستقل که در جمله‌های کوتاه منقطع و مستقل، همراه با حرف ربط با واو عطف کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند و توالی جمله‌های کوتاه منقطع و مستقل، همراه با حرف ربط با واو عطف کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند و توالی آن‌ها یک بندنوشت را تشکیل می‌دهد (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۲: ۲۹۸).  
 پاره‌گفتارهای «وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ/ إِذَا تَكَشَّفْتَ عَنْكَ جَلَابِيبُ/ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا/ قَدْ تَبَهَّجْتَ بِزِينَتِهَا/ وَخَدَعْتَ بِلَذَّتِهَا/ دَعَّتْكَ فَأَجَبْتَهَا/ وَقَادَتْكَ فَاتَّبَعْتَهَا/ وَأَمَرَتْكَ فَاطَّعْتَهَا؛ فَاقْعَسُ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ/ وَخُذْ أَهْبَةَ الْجِسَابِ/ وَ شَمِّرْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ/ وَلَا تَمَكِّنِ الْفُؤَادَ مِنْ سَمِّكَ/ وَإِلَّا تَفْعَلْ أُغْلِمُكَ/ مَا أَغْلَمْتَ مِنْ نَفْسِكَ» از سبک گسسته پیروی می‌کند. امام علی (ع) ویژگی‌های شخصیتی مخاطب را بیان می‌کند و نامه را با روشنگری از شخصیت معاویه آغاز می‌کند جمله‌ها تند و منقطع هستند. در کنش ترغیبی این پاره‌گفتار سبک گسسته مشهود است چراکه در سبک گسسته روند بیان اندیشه پرشتاب است است هیجان در پاره‌گفتارهای ذکر شده از جمله‌ای به جمله‌ی دیگر منتقل می‌شود. بر این اساس، بین



مُبَايَعَةُ حَائِدَةَ» از سبک وابسته پیروی می‌کند. که در کنش‌های عاطفی، ترغیبی، اظهاری و حتی اعلامی شاهد سبک وابسته هستیم. چرا که سبک وابسته موجب تثبیت معنا در ذهن مخاطب می‌شود. انسجام فکری که در بیان این جملات ایجاد می‌شود مولود عطف جمله به ماقبل آن است بر این اساس ذهن مخاطب برای درک این پیوند به تکاپو می‌افتد. از آنجا که ریتم تند در توصیف برخی صحنه‌ها مفید می‌باشد، امام علی (ع) در این فراز با تداعی و توصیف فضای جنگ بدر قصد هشدار و برحذر داشتن معاویه را از برپایی جنگ صفین دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

کنش‌های گفتاری نوعی کنش‌های ارتباطی هستند که گوینده یا نویسنده با هدف برقراری ارتباط با مخاطب در پاره‌گفتارهای خود آن‌ها را به کار می‌برد. بر اساس تحلیل کنش‌گفتاری نامهٔ دهم نهج البلاغه بر مبنای دسته‌بندی سرل (۱۹۶۹)، این نامه شامل پاره‌گفتارهایی است از انواع کنش‌ها همچون ترغیبی، اظهاری، عاطفی و اعلامی. کنش اظهاری و ترغیبی و عاطفی بیشترین میزان کنش به ترتیب با فراوانی ۸، ۷، ۶ مورد را به خود اختصاص داده و کنش اعلامی کمترین میزان را با فراوانی ۱ مورد به خود اختصاص داده است، و کنش تعهدی در این نامه بکار نرفته است. با توجه به در نظر گرفتن بسامد انواع کنش‌ها می‌توان به میزان تأکید جمله‌ها نسبت به تحذیر از دنیازدگی و پیروی از شیطان و رسیدن ناگهانی مرگ پی برد، در این پژوهش معلوم شد که بسامد کنش‌های گفتاری در این نامه رابطه مستقیمی با فضای جنگ برقرار کرده است بنابراین کنش ترغیبی پر بسامدترین و اعلامی کم بسامدترین است. در برخی پاره‌گفتارها استفاده چند کنش در کنار هم که هشدار و انذار در کنار نصیحت کردن به کار رفته مهم بودن موضوع را تلویحاً با نوع جمله‌بندی عبارات بیان کرده است تا نهایت تأثیر را بر مخاطب داشته باشد. از نتایج دیگر این پژوهش می‌توان به ارتباط سبک و ساختار جملات با کنش مورد استفاده اشاره کرد. در این نامه هر کنش با سبک و ساختار مشخص بیان شده است.

جملات شکافی معنایی به وجود می‌آید که ذهن مخاطب را به سرعت از معنایی به معنایی دیگر منتقل می‌کند.

**سبک هم‌پایه:** گاه جمله‌های مستقل هم‌پایه‌اند و با واو عطف به هم معطوف می‌شوند. وجود واو عطف در ساختار «هم‌پایه» شتاب سخن را زیاد و سبک را پویا می‌کند. پیوستار سخن در این سبک به خوبی رویت می‌شود. اما انقطاع کلام نیز در آن محرز است. به گونه‌ای که کوبش جملات به سبک گسسته نزدیک است. در این سبک جملات در عین کوتاهی و انقطاع نحوی پیوستار مفهومی دارند (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). در این نامه پاره‌گفتارهای «وَمَتَى كُنْتُمْ يَا مُعَاوِيَةُ سَاسَةَ الرَّعِيَّةِ / وَوَلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ؟ / إِبْغَيْرِ قَدَمِ سَابِقٍ، / وَلَا شَرَفِ بَاسِقٍ / وَأَحْذَرُكَ أَنْ تَكُونَ مُتَمَادِيًا فِي غِرِّهِ الْأُمْنِيَّةِ، / مُخْتَلِفِ الْعَلَانِيَةِ وَالسَّرِيرَةِ» پیرو سبک هم‌پایه هستند. که کنش عاطفی در این پاره‌گفتارها مشمول سبک هم‌پایه است همانطور که گفته شد وجود واو عطف در ساختار هم‌پایه شتاب سخن زیاد و سبک پویا می‌شود.

**سبک وابسته:** این سبک از جمله سبک‌های ترکیبی است که در آن جمله‌ها به هم وابسته‌اند. به طوری که یکی از جمله‌ها بر جمله‌ی دیگر تکیه دارد. در این سبک جملات حامل اندیشه‌های وابسته به هم‌اند. بدین صورت که سیاق نحوی، اندیشه‌ها را در ساختارهایی مرکب از دو جمله‌ی وابسته‌ی «پایه» و «پیرو» قرار دهد. البته در این جمله‌های مرکب بلند، جمله‌های کوچکتر (پایه و پیرو) با هم رابطه‌ی منطقی دارند (فتوحی، همان: ۱۵۸). پاره‌گفتارهای «وَقَدْ دَعَوْتُ إِلَى الْحَرْبِ، فَدَعَى النَّاسَ جَانِبًا وَأَخْرَجَ إِلَيَّ، وَأَغْفِ الْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْقِتَالِ، لَتَعْلَمَ أَيْنَا الْمَرِينُ عَلَى قَلْبِهِ وَالْمُعْطَى عَلَى بَصْرِهِ! فَإِنَّا أَبُو حَسَنٍ قَاتِلُ جَدِّكَ وَأَخِيكَ وَخَالِكَ شَدْخًا يَوْمَ بَدْرٍ، وَذَلِكَ السِّيفُ مَعِي، وَبِذَلِكَ الْقَلْبِ أَلْفَى عَدُوِّي، مَا اسْتَبَدَلْتُ دِينًا وَلَا اسْتَحْدَثْتُ نَبِيًّا، وَإِنِّي لَعَلَى الْمِنْهَاجِ الَّذِي تَرَكْتُمُوهُ طَائِعِينَ، وَدَخَلْتُمْ فِيهِ مُكْرَهِينَ وَرَعَمْتُمْ أَنْكَ جُنْتُ ثَائِرًا بِدَمِ عُمَانَ لَقَدْ عَلِمْتَ حَيْثُ وَقَعَ دَمُ عُمَانَ فَاطْلُبْهُ مِنْ هُنَاكَ إِنْ كُنْتَ طَالِبًا، فَكَأَنِّي قَدْ رَأَيْتَكَ تَضِجُ مِنَ الْحَرْبِ إِذَا عَضْتِكَ صَجِيجَ الْجِمَالِ بِالْأَثْقَالِ، وَكَأَنِّي بِجَمَاعَتِكَ تَدْعُونِي جَزَعًا مِنَ الضَّرْبِ الْمُسْتَابِعِ، وَالْقَضَاءِ الْوَاقِعِ، وَمَصَارِعَ بَعْدَ مَصَارِعَ، إِلَى كِتَابِ اللَّهِ، وَهِيَ كَافِرَةٌ جَائِدَةٌ، أَوْ

### منابع


#### قرآن

العموش، خلود. (۱۳۸۸). گفتمان قرآن، بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن، مطالعه موردی سوره بقره،

ترجمه حسین سیدی. تهران: انتشارات سخن.

باستانی، سوسن؛ و مژگان دستوری. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر

- ۶۳-۸۳. روشنفکر، کبری؛ و دانش محمدی. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های امام علی (ع) زینب (س). فصلنامه سفینه. سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۲۷-۱۴۹.
- سرل، جان آر. (۱۳۸۵). افعالگفتاری. ترجمه محمدعلی عبداللهی. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲.
- سیدی، حسین؛ و زهرا حامدی. (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن. پژوهش‌های قرآنی. سال ۱۸، شماره ۳، صص ۴-۱۲.
- شریفی، حدیث؛ و فواد نجم‌الدین. (۱۳۹۳). تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن. تفسیر و زبان قرآن. دوره ۳، شماره ۱، صص ۷۲-۴۷.
- صالح صبحی (۲۰۰۴). نهج البلاغه. قاهره: دارالکتب المصری. الطبعة الرابعة.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
- فتوحی رودمجنی، محمود. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فضائلی، سیدهمریم، و محمد نگارش. (۱۳۹۰). تحلیل خطبه ۵۱ نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری. مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث. شماره پیاپی ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰؛ صص ۸۱-۱۱۸.
- قائم‌نیا، علی‌رضا. (۱۳۹۰). معناشناسی شناختی قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- واقف زاده، شمسی. (۱۳۹۰). *الادب الساخر انواعه و تطوره مدی العصور الماضیه*. فسیله دراسات الادب المعاصر. سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۰۱-۱۲۳.
- یول، جورج. (۱۳۸۷). کاربردشناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- Searl, J. (1969). *Speech act: An essay in philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University press.
- جنسیت در گفتمان، مطالعه موردی دو ترجمه معاصر قرآن. پژوهش زنان. دوره ۵، شماره ۳، صص ۵-۳۰.
- بحرانی، ابن میثم. (۲۰۰۷). شرح نهج البلاغه ابن میثم، منامه: مکتبه الفخرآوی. الطبعة الاولى.
- بخاری، ابو عبدالله؛ و محمد اسماعیل. (۱۹۸۱). صحیح البخاری. بیروت: دارالرائد العربی.
- چپمن، شیوان. (۱۳۸۴). از فلسفه به زبان‌شناسی. ترجمه حسین صافی. تهران: انتشارات گام نو.
- حسینی، عبدالزهراء. (۱۴۰۹ ق). مصادر نهج البلاغه. بیروت: دار الزهراء.
- حسینی معصوم، محمد؛ و عبدالله رادمرد. (۱۳۹۴). تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار، مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم. جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۹۲-۶۵.
- حیدری، محسن. (۱۳۸۱). حزب علوی و حزب اموی. قم: انتشارات اسلامی.
- حمیدزاده گیوی، اکبر. (۱۳۹۵). شرح نهج البلاغه علی (ع). تهران: کوثر معرفت.
- خرمی، مرتضی؛ و معصومه بابایی. (۱۳۹۰). شیوه حسابرسی در قیامت از منظر قرآن. فروغ وحدت. سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۴۶-۵۵.
- دسترنج، فاطمه و محسن ذوالفقاری (۱۳۹۹). تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش گفتار جان سرل. پژوهش‌های ادبی قرآنی. دوره ۸، شماره ۲ (۳۰)، صص ۷۱-۹۴.
- دشتی، محمد. (۱۳۹۷). فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه. تهران: فراموشی.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۲). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات پارسیان.
- ذکایی، عبدالحسین؛ روح‌الله صیادی‌نژاد؛ و عباس اقبالی (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف. ادب عربی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۵۱-۶۰.
- Searle, J., & D. Vanderveken (1985). *Foundations of illocutionary logic*. Cambridge: Cambridge University Press.

	<p><b>COPYRIGHTS</b>          © 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<a href="http://creativecommons.org/licenses/by/4.0">http://creativecommons.org/licenses/by/4.0</a>)</p>
---	---